نقش ایــران در تغییر بافت جمعیتــی خــاورمیانــه



FirmBonyan

مؤسسه بنیان

نقش ایران
در تغییر بافت
جمعیتی خاورمیانه



مؤسسه بنیان

بسم الله الرحمن الرحیم

پس از انقلاب شوم خمینی، قدرت در ایران با کمك اهل سنت و سپس فریب آنان، به دست خمینی و یاورانش افتاد. آنان بعد از قلع و قمع اهل سنت در کشور، برای تکمیل هلال شیعی‌شان در صدد صدور انقلابشان به دیگر کشورها شدند...امری که با حمایت از هسته و حرکت‌های شیعی در منطقه صورت گرفت.

حکومت ایران برای تأمین امنیت ملی و نفوذ در مناطق اهل سنت در خاورمیانه از فضای ناامن و هرج و مرج منطقه پس از حملات آمریکا به افغانستان و عراق استفاده کامل را کرد و همچنین نمی‌توان نقش حکومت ایران در حمله به افغانستان و عراق را نادیده گرفت چیزی که از طرف سران حکومت ایران به آن اقرار شد.

و با این حساب ایجاد هرج و مرج در منطقه و استمرار این هرج و مرج و نا آرامی کاملاً به نفع حکومت ایران بوده است و همین چیز باعث شده که در ایجاد هرج و مرج و ناامنی و استمرار آن در منطقه با کشورهای غربی هم جهت و همسو شود و با آنها همکاری کند و در این فضای ناآرام و ناامن حکومت ایران دست به تغییر بافت جمعیتی مناطق اهل سنت زد چرا که در فضای آرام و امن تغییر بافت جمعیتی بسیار مشکل می‌باشد. این تغییرات در بافت جمعیتی حضور ایران در این مناطق را تضمین می‌کند.

با توجه به اینکه تغییر بافت جمعیتی آثار و پیامدهای مخربی دارد طوری که آثار آن از جنگ نظامی نیز خطرناکتر است. در این مقاله به چگونگی تغییر بافت جمعیتی مناطق اهل سنت در خاورمیانه مخصوصاً در سوریه می‌پردازیم.

تأثیر تغییر بافت جمعیتی در امنیت و استقرار و یك پارچگی کشورها: همانطور که می‌دانید یکی از عناصر قوت یك کشور همبستگی، عدم اختلاف و انسجام مردم آن می‌باشد.

و تغییر بافت جمعیتی در یك منطقه باعث ایجاد تنش و جنگ‌های فرقه‌ای می‌شود. تشکیل دین واحد، زبان واحد، فرهنگ واحد، قومیت واحد همه و همه از عناصر قدرت و ثبات یك کشور به حساب می‌آیند.

و برعکس تعدد در فرهنگ‌ها و مذاهب و زبان و ..... باعث بروز اختلاف و عدم ثبات در یك جامعه می‌شود.

گروه‌های فرقه‌ای مخالف، وابستگی آنها به خارج و سوء استفاده قدرت‌های خارجی از این گروه ها و ناامن کردن منطقه برای گسترش نفوذ خودشان و بسیاری از مشکلات دیگر حاصل تغییر بافت جمعیتی می‌باشند و همه این آثار از طرف کشورهای بزرگ مطلوب می‌باشد چرا که این کشورها با تغییر بافت جمعیتی و از بین بردن یا کوچ دادن ساکنان اصلی یك منطقه و جایگزین کردن مردم جدید با افکار و اعتقادات جدید و باب میل این قدرت‌ها نفوذ خود در منطقه دلخواه را تأمین می‌کنند.

نفوذ ایران در کشور سوریه نیز از این قائده مستثنیٰ نیست؛ از بین بردن جامعه‌های سنی مذهب و تغییر بافت جمعیتی در این کشور، بر پایی جنگ‌های فرقه‌ای ، آواره کردن چندین نسل جوان و نادانی و عقب ماندگی آنها و..... حاصل نفوذ ایران در این کشور است.

چیزی که می‌توان به آن جنگ جمعیتی گفت. اکنون حکومت ایران در کشور سوریه درگیر جنگ جمعیتی می‌باشد جنگی که طولانی بوده و خبر از استمرار بیش از پیش این ناآرامی‌ها و ناامنی‌ها می‌دهد.

نفوذ حکومت ایران توسط تغییر بافت جمعیتی بر دو محور متکی می‌باشد:

محور اول: ایجاد و شکاف‌های مذهبی : یعنی ایران در کشورهایی که دارای اقلیت شیعه می‌باشد نفوذ می‌کند و این به دلیل آسان بودن تشکیل پایگاه‌های سیاسی و مذهبی در این کشورها می‌باشد که باعث نفوذ شیعیان و تأمین امنیت برای ایران می‌شود و این زنگ خطری است برای کشورهای عربی منطقه.

دیدگاه خمینی درباره‌ی صدور انقلاب و نظریه ام‌القری کاملا در حرکت‌ها وسیاست‌های ایران

در منطقه آشکار است. نظریه ولایت فقیه که تنها به شیعیان ایران ربط ندارد و شامل تمامی شیعیان جهان می‌شود یعنی حق انتخاب از تمامی شیعیان سلب شده است چه فارس زبان باشد چه عرب زبان، عراقی و لبنانی و هیچ کس از آنها حق سر پیچی از ولی فقیه ایرانی را ندارد.

و این گفته خمینی در اینباره مشهور است؛ ولایت فقیه بر مردم همانند ولایت پدر بر فرزندان نابالغ است وخامنه‌ای نیز همانند او معتقد است که تمامی مسلمانان جهان و مراجع تقلید باید از امر و نهی‌های او تبعیت کنند و:اینکه ولایت فقیه و اسلام و ولایت امامان معصوم از یکدیگر جدا ناپذیر هستند!

و طبق همین افکار و اعتقادات، سیاست خارجی ایران رقم می‌خورد یعنی حکومت‌داری در ایران از جنبه منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برخورددار است و بر این اساس در منطقه هسته‌های مقاومت و مرکزهایی با افکار و گرایشات شیعی ایجاد می‌کنند و ایجاد هسته‌ها و گسترش نفوذ سیاسی ایران در خارج از کشور به تنهایی نمی‌تواند مثمر ثمر باشد به همین دلیل ایران از سیاست صفوی یعنی تغییر بافت جمعیتی نیز موازی با این سیاست‌های خارجی استفاده می‌کند چیزی که در حکومت صفوی‌ها جواب داده و کشوری که کاملا سنی و شافعی مذهب بود را از بین بردند و به جای آن کشوری فارسی و شیعی بنا نهادند.

محور دوم: عامل قومی و رویای امپراطوری فارس: نفوذ ایران در سوریه تنها با انگیزه مذهبی نیست بلکه این دین و مذهب را پوششی برای رسیدن به هدف قرارداده‌اند و انگیزه‌ی اصلی آنها برپایی امپراطوری فارس است. انگیزه و گرایش ملی گرانه‌ای که حتی در خود نظریه ولی فقیه نیز واضح و آشکار است چرا که ولی فقیه باید ایرانی الاصل باشد!

طوری که ولی فقیه ایرانی بر تمام مسلمانان جهان باید رهبریت داشته باشد و این یعنی برتریت نژاد ایرانی بر سایر نژادها و زنده کردن روح برتری آریایی‌ها بر سایر مردم و این اندیشه قوم گرایی و زنده کردن هویت فارسی از زمان تأسیس حکومت صفوی در ایران رنگ و بو گرفته و در خط مشی و افکار سران حکومت کنونی ایران نیز به وضوح دیده می‌شود برای

مثال: - اهدای کتاب شاهنامه به پاپ در سفر محمود احمدی نژاد به واتیکان
- سخنان احمدی نژاد درباره‌ی اداره و مدیریت جهان توسط مردم ایران (یعنی فارس‌ها)
- رونمایی از منشور حقوق بشر کروش در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد
- سخن علی یونسی دستیار ویژه حسن روحانی مبنی بر اینکه: ایران اکنون یك امپراطوری می‌باشد که پایتخت آن بغداد است! این‌ها و بسیاری از دلایل دیگر حاکی از آن است که حکومت ایران از تشیع استفاده سیاسی می‌کند برای رسیدن به هدف اصلی خود و آن برگردان و برپایی حکومت و امپراطوری فارس است.

تاریخ و چگونگی نفوذ ایران در بافت جمعیتی سوریه:

تغییر بافت جمعیتی در سوریه تنها مربوط به شروع انقلاب سوریه نمی‌شود بلکه این نفوذ و تغییر بافت جمعیتی همزمان با انقلاب خمینی (۱۳۵۷) و تحالف و همکاری بین خمینی و حافظ اسد شروع شد.

باتوجه به اینکه خاندان اسد از لحاظ عقیده نصیری بوده و نصیری‌ها نیز از فرقه‌های گمراه شیعه می‌باشند.

این خاندان برای مقابله و دشمنی با مردم سوریه که بیش از ۹۰٪ آنها سنی مذهب می‌باشند، با حکومت ایران همسو و هم‌جهت شدند.

رژیم اسد از همان ابتدا اقداماتی برای افزایش تعداد نصیری‌ها در سوریه انجام داد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کمك به نصیری‌های ترکیه برای هجرت به سوریه و دادن تابعیت سوری به آنها
- کمك‌های مالی به خانواده‌های نصیری برای ازدواج و زاد و ولد ...
- تأسیس جمعیت‌های خیریه و دعوی برای گسترش مذهب نصیری و معرفی آن به عنوان مذهب اصلی کشور و معرفی خلافت عثمانی با نام اشغالگران ترك و......

تمامی این اقدامات و جنگ داخلی لبنان، جنگ عراق و ایران، جنگ اسرائیل با لبنان، حمله آمریکا به عراق و.... باعث مهاجرت شیعیان از عراق و لبنان به سوریه شد و این مهاجرت‌ها

باعث افزایش چشمگیر جمعیت شیعی سوریه و افزایش نشاط و فعالیت‌های آنها شد.

اما پس از انقلاب سوریه حکومت ایران فرصت را غنیمت شمرد ووکار تغییر بافت جمعیتی را یکسره کرد.

با شروع انقلاب سوریه و ضعیف شدن رژیم اسد و قدرت گرفتن انقلابی‌ها حکومت ایران دستاوردهای چندین ساله خود را در سوریه درخطر می‌دید طوری که با از بین رفتن حکومت نصیری اسد و روی کار آمدن حکومتی دیگر تمامی نقشه‌های حکومت ایران برای تبدیل سوریه سنی به سوریه شیعی و فرمانبردار ایران بر باد می‌رفت به همین دلیل با تمام قدرت از حکومت نصیری بشار حمایت کرد هم از طریق کمك‌های مالی و تسلیحاتی و هم از طریق نیروی انسانی از حزب الله لبنان گرفته تا زینبیون و فاطمیون و حشد شعبی عراق و حتی خود ایرانی‌ها، همزمان با حضور نظامی ایران در سوریه این حکومت به تغییر بافت جمعیتی در فضای ناآرام آن سرعت بخشید و در این راستا از عوامل زیر بیشترین استفاده را کرد:

- مصادره اموال و املاك تمامی کسانی که کوچیك‌ترین ارتباط با انقلاب سوریه را داشتند یا یکی از نزدیکانشان در انقلاب دست داشته‌اند.

- بازداشت و شکنجه و قتل عام مردم سنی در داخل زندان‌ها

- بمباران مناطق سنی نشین و اجبار آنها به مهاجرت و خالی کردن مناطق و جایگزین کردن شیعیان در این مناطق شیعیانی که برای کمك به حکومت رژیم اسد به سوریه آمده بودند.

- عدم حمایت مالی مناطق سنی‌نشین توسط حکومت

- تخریب مساجد و بنای حسینیه‌ها به جای آن

- سوء استفاده از فقر مردم سنی برای تبلیغ و گسترش تشیع و.....

تأثیرات نفوذ ایران و تغییر بافت جمعیتی در منطقه (خاصتا سوریه)

با توجه به پیشروی و موفقیت کم و بیش حکومت ایران در نفوذ و تغییر بافت جمعیتی منطقه به خصوص سوریه، می‌توان نتایج این اقدامات را به دو دسته مثبت و منفی برای حکومت ایران تقسیم کرد:

تأثیراتی که به نفع حکومت ایران هستند:

- با توجه به حضور ایران در منطقه به خصوص سوریه و عراق از لحاظ نظامی و سیاسی و مذهبی، این حکومت توانسته سهم خوبی از منابع طبیعی(نفت و فلزات و معادن و ...) و بازرگانی این کشورها به دست بیاورد.

- حکومت ایران با حمایت شبه نظامیان شیعه و نفوذ در کشورهای سنی نشین توانسته خود را به عنوان یك قدرت منطقه‌ای که حرفی برای گفتن دارد، معرفی کند.

- حکومت ایران از نبود تحالف و اتحاد کشورهای عربی استفاده کرده و در فضایی بدون رقیب در حال جولان و قدرت نمایی می‌باشد.

- حکومت ایران با تسلط بر سوریه و عراق و کامل کردن کمربند ایران تا لبنان و مدیترانه توانسته عرصه را بر رقیب منطقه‌ای خود یعنی ترکیه تنگ کند و راه ارتباطی ترکیه با کشورهای عربی را ببندد.

- ایران توسط حمایت از گروه‌های شیعی و طرفدار خودش و این تغییر بافت جمعیتی و نفوذ در منطقه توانسته خود را به عنوان قدرتی منطقه‌ای به غرب معرفی کند که می‌تواند نماینده آنها برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه باشد.

- و ....

تأثیراتی که به ضرر حکومت ایران است: دخالت در امور داخلی کشورهای همسایه، پشتیبانی از رژیم جنایتکار اسد، پشتیبانی از گروه‌های طایفه‌ای، دامن زدن به جنگ طایفه‌ای و فرقه‌ای در منطقه باعث خدشه دار شدن چهره حکومت ایران در نزد بیش از یك میلیارد مسلمان شده است.

همکاری با آمریکا در قتل عام اهل سنت عراق و همکاری با بشار در قتل عام مردم سوریه و حمایت از حوثی‌های یمن و حزب الله لبنان و ... باعث شده که اهل سنت حکومت ایران را به چشم یك دشمن نگاه کنند دشمنی که ضررش کمتر از غرب نیست.

- هزینه‌های هنگفت دخالت در جنگ‌های منطقه‌ای باعث تضعیف و رو به زوال رفتن اقتصاد

ایران و ضعف خزانه و افزایش تورم و بروز مشکلات داخلی و اختلافات در بدنه نظام شده طوری که نظام را در آستانه فروپاشی قرار داده است.

وصلی اللّه علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین

تمّ بحمد الله